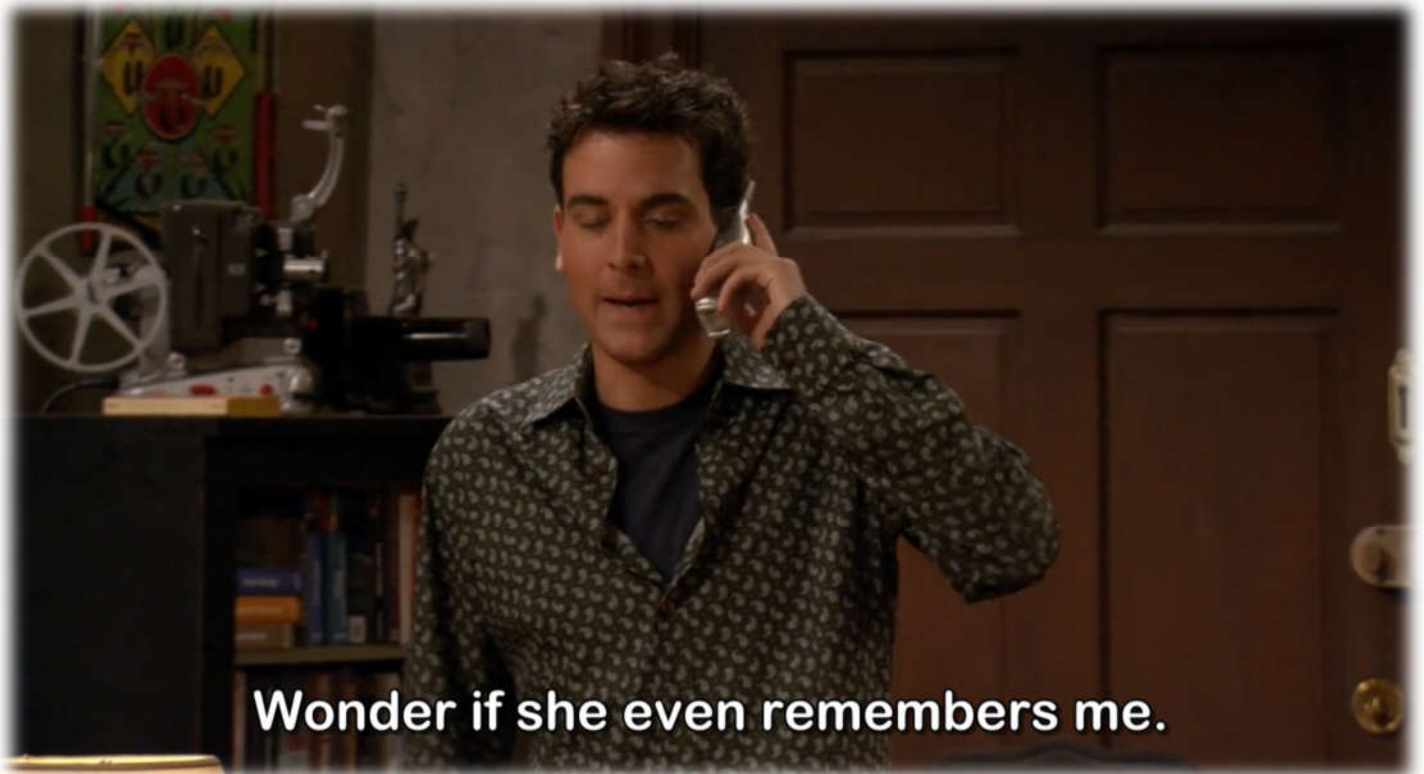


آموزش با سریال how I met your mother

جلسه سیزدهم - مدرس: علیرضا صادقیان



Wonder if she even remembers me.

Wonder if she even remembers me

موندم که آیا اصلا منو یادشه یا نه

عبارت **wonder if** دوتا کاربرد مهم داره

۱- برای درخواست مودبانه داشتن

I **wonder if** you could give me some information about places to visit in the area?

ممنون میشم اگر اطلاعاتی در مورد این منطقه برای بازدید بهم بدید

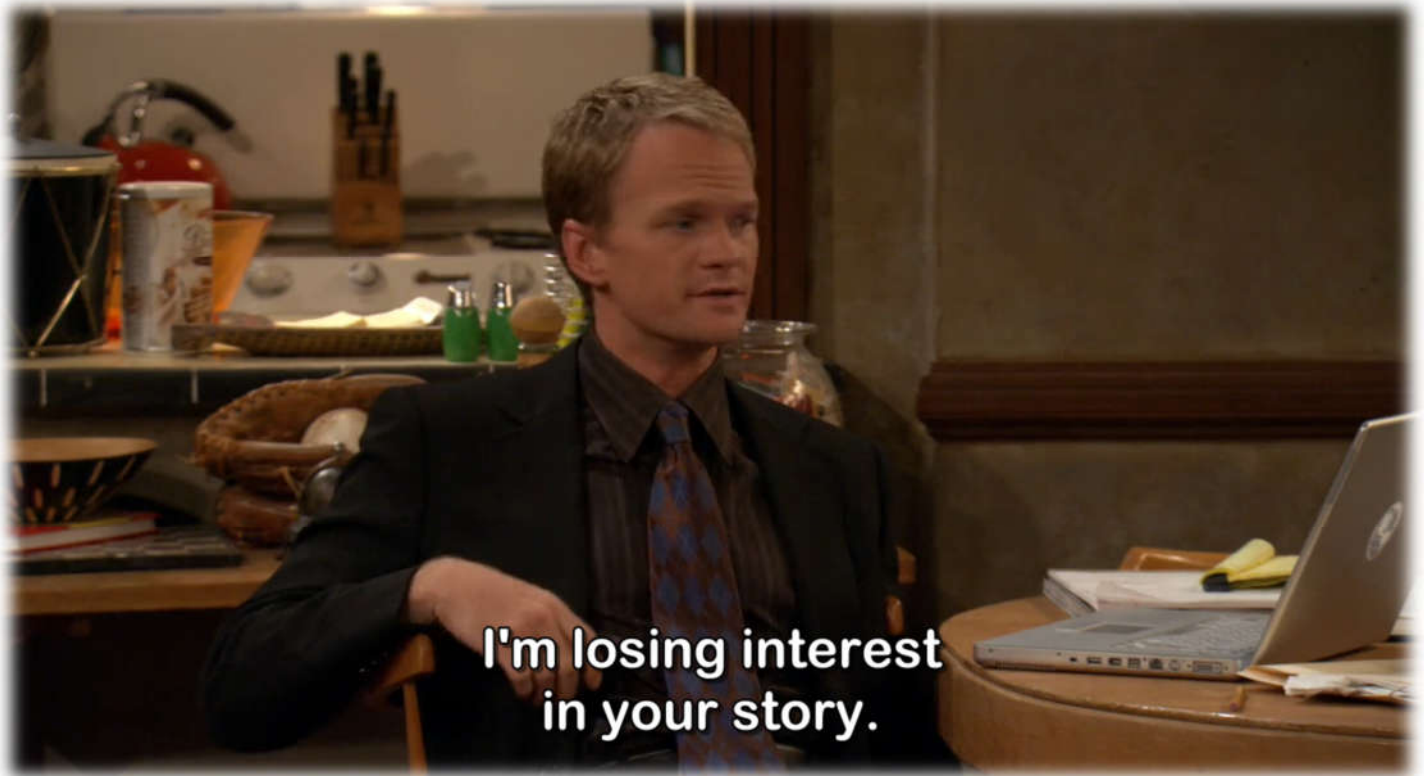
We were **wondering if/whether** you'd like to have dinner with us?

امکانش هست امشب شام رو با ما میل کنید؟

۲- برای پیش بینی یک اتفاق (تو فارسی می‌گیم موندم که آیا) معمولا فاعل حذف میشه تو این حالت

Wow, that cake was delicious! **Wonder if** there's any more.

وای چه کیک خوشمزه ای بود. موندم آیا ازش چیزی مونده یا نه



I'm losing interest in your story

علاقه ام رو به داستانت دارم از دست میدم
حالا لیلی میگه

Well you must have done something

خب حتما به کاری کردی

Why did you guys break up?

چرا شما دوتا به هم زدین؟

He wasn't ready for a commitment

آماده تعهد و مسئولیت پذیری نبود

commitment

noun

UK  /ke'mit.ment/ US  /ke'mit.ment/

[C or U]

a promise or firm decision to do something:

- *Players must **make** a commitment to play for a full season.*
- *Can you **give** a commitment **that** the money will be made available?*

کلمه **commitment** به معنای تعهد و الزام هست.



So you dumped her
right before her birthday?

You dumped her right before her birthday?

اونو دقیقا قبل از تولدش ول کردی؟

Dump:

To suddenly end a romantic relationship you have been having with someone:

ناگهانی رابطه ی عاشقانه ای رو تموم کردن یا کات کردن

If he's so awful, why don't you just **dump** him?

اگه انقدر آدم مزخرفیه. چرا ولش نمیکنی؟

لیلی میگه:

Did she cry her eyes out?

خیلی گریه کرد؟

تد زنگ زد به ناتالی و گفت:

I'm just super busy right now. Maybe we should just call it a day.

الان خیلی خیلی سرم و شلوغه و بهتره این رابطه رو تمومش کنیم.

عبارت call it a day به معنی end something یا تمام کردن چیزی هست. مثلا:

I worked a lot today and I think I have to **call it a day**.



Okay, in my client's defense,

Okay in my client's defense

به منظور دفاع از موکل خودم ...

کلمه **client** میتونی معانی مختلفی داشته باشه مثل موکل، مشتری، ارباب رجوع

The lawyer met with her **client** to talk about their first day in court.

وکیل با موکل خود درباره روز اول دادگاه آنها ملاقات کرد.

Personally I'd rather hear the bad news on an answering machine than face the humiliation in person

شخصاً ترجیح میدم خبر بد روی پیام گیر بشنوم تا حضوراً تحقیر بشم.

کلمه **humiliation** به معنی حقارت. که حالت فعلی این کلمه **humiliate** هست. به معنی تحقیر کردن

His punishment in front of the other students **humiliated** the boy.

مجازات او در مقابل سایر دانش آموزان پسر را تحقیر کرد.

He was forced to face the **humiliation** the next morning.

صبح روز بعد مجبور شد با حقارت روبه رو شود.



You just didn't have the sack to face those tears.

جراتشو نداشتی اشک هاشو ببینی.
کلمه sack به معنی گونی یا کیسه.

A **sack** of potatoes

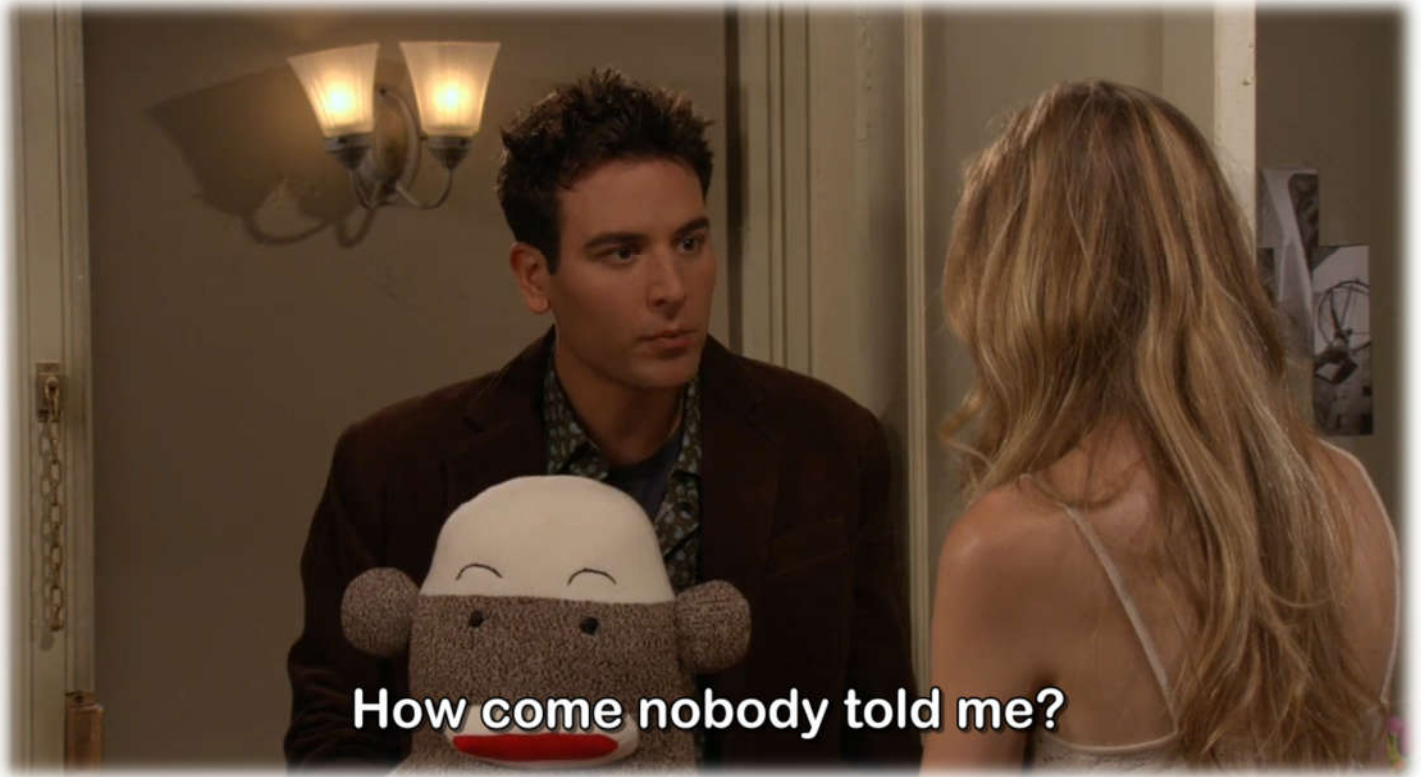
یک کیسه سیب زمینی

A **sack** of rice

یک گونی برنج

I'm gonna make this right

میخوام درستش کنم



How come nobody told me?

چطوریه که هیچکس بهم نگفت؟

Informal

Said when asking how or why something happened or is the case.

"**How come** you never married, Jimmy?"

چطوریه که هیچوقت ازدواج نکردی جیمی؟

Sorry not the issue

ببخشید. اشکالی نداره.

Give the guys a chance

بهبش یه فرصت بده

Self-respect is overrated

عزت نفس بیش از اندازه شد.